



فقه
حج

مقام ابراهیم علیه السلام و جایگاه آن در فقه

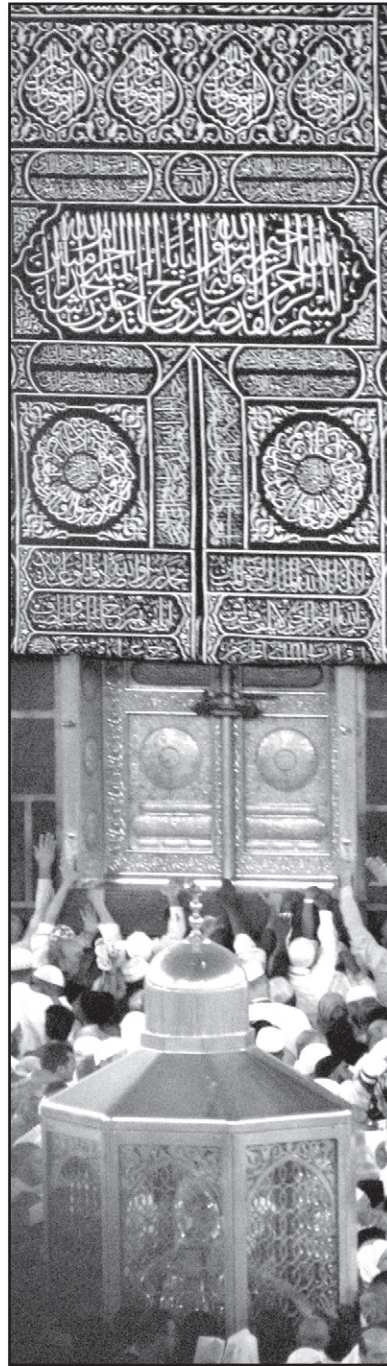
مصطفی آخوندی

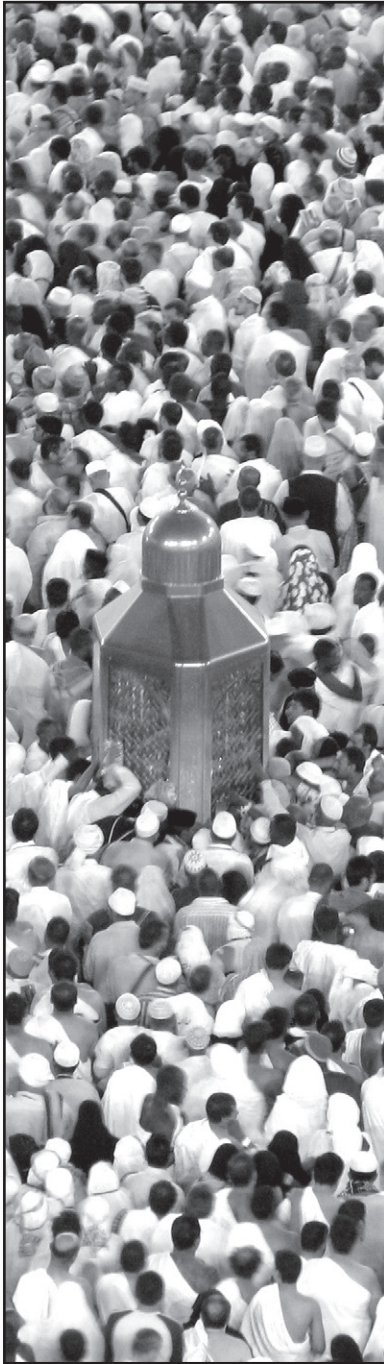
چکیده

در این نوشتار به حقیقت مقام ابراهیم خواهیم پرداخت و این که فضیلت آن تا چه حد است، مکانش در عصر ابراهیم خلیل علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله کجا بوده و جابه‌جایی آن در زمان خلیفه دوم چگونه انجام شده است.

همچنین نقش و جایگاه مقام ابراهیم در مورد دو مسأله فقهی؛ «طواف میان کعبه و مقام ابراهیم» و «نماز طواف پشت مقام ابراهیم» را تبیین خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: مقام ابراهیم، قداست، حدّ مطاف، نماز طواف، جایگاه مقام.





حقیقت مقام چیست؟

به گفته‌ی واژه‌شناسان:

- مقام، اسم مکان نیست بلکه در لغت به معنای «جای پای انسان» آمده است.^۱

- مقام ابراهیم؛ یعنی جای دو پای ابراهیم خلیل که روی سنگ نمایان است.^۲

- مقام ابراهیم، سنگی است مربع شکل با طول و عرض حدود ۴۰ سانتی‌متر و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتی‌متر که در عصر ما، درون محفظه‌ای شیشه‌ای، میان گنبدی طلایی رنگ، رو به روی درِ کعبه، به فاصله ۲۶/۵ ذراع نگهداری می‌شود.

روی مقام ابراهیم این فراز از آیه‌ی الکرسی به چشم می‌خورد: ﴿...وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾^۳

قداست و عظمت مقام ابراهیم ﷺ

مقام ابراهیم از آیات الهی و از معجزات حضرت ابراهیم خلیل است که نام آن، دو بار، به دو عنوان، در قرآن کریم آمده است:

۱. «نشانه و آیت بزرگ خداوند»؛ ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ

مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ...﴾^۴

در تفسیر «آلاء الرحمن» آمده است: مقام ابراهیم از نشانه‌های آشکار و جاوید حضرت ابراهیم ﷺ است.

همین سنگی که ابراهیم خلیل بر آن ایستاد و اثر دو پای شریفش، همانند فرو رفتن در گل به جای ماند.

این سنگ با وجود حوادث گوناگون طبیعی و غیر طبیعی در طول قرن‌ها همچنان به عنوان معجزه الهی باقی مانده است.^۵

۲. به عنوان قبله گاه نمازگزاران؛ ﴿...وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾^۶

در باره این آیه، به بحث خواهیم پرداخت.

مقام ابراهیم علیه السلام سنگی از بهشت

صاحب «مجمع البیان» در قداست و بهشتی بودن مقام روایاتی آورده است:

* «رُوِيَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: نَزَلَتْ ثَلَاثَةٌ أَحْجَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ؛ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ، وَ حَجَرُ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ اسْتَوَدَعَهُ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ حَجْرًا أَبْيَضَ وَ كَانَ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ الْقَرَّاطِيسِ فَاسْوَدَّ مِنْ خَطَايَا بَنِي آدَمَ»^۷.

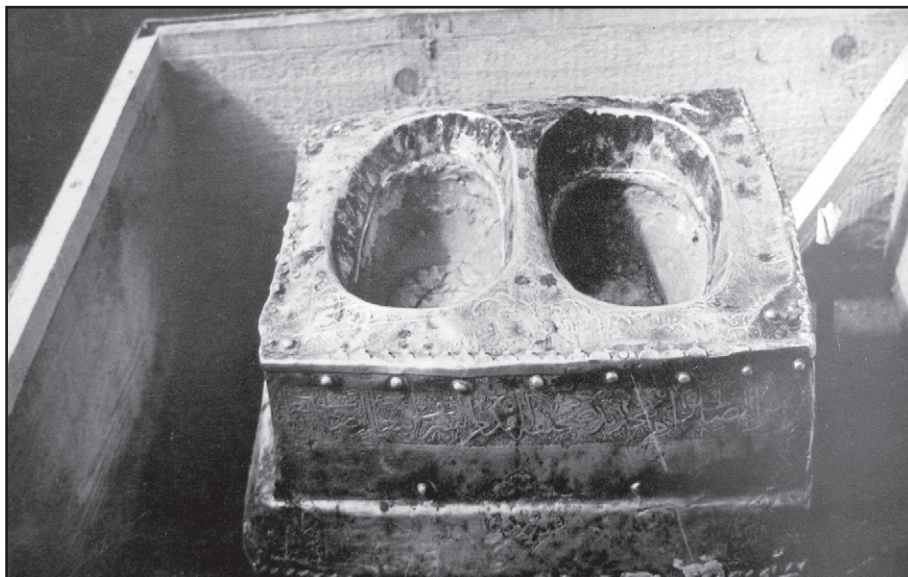
«از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که خداوند سه قطعه سنگ را از بهشت بر زمین فرود آورد: ۱. مقام ابراهیم علیه السلام ۲. سنگ بنی اسرائیل ۳. حجر الأسود و آن سنگی است که خداوند به امانت نزد ابراهیم علیه السلام گذاشت (که آن را در رکن خانه کعبه نصب کرد). رنگ آن ابتدا از کاغذ سفیدتر بود لیکن در اثر گناهان فرزندان آدم، سیاه گردید.»

* «رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الرُّكْنُ وَ الْمَقَامُ يَأْقُوتَانِ مِنَ يَأْقُوتِ الْجَنَّةِ طَمَسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نُورَهُمَا لَوْ لَا ذَلِكَ لِأَضَلَّةِنَا مِنْ بَيْنِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ»^۸.

«عبد الله بن عمر، از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است: رکن و مقام، دو یاقوت از یاقوت‌های بهشت‌اند و خداوند نور آن‌ها را گرفته است و اگر نه این بود، آن‌ها میان مشرق و مغرب را روشن می‌کردند.»

چگونگی اثر پای ابراهیم علیه السلام

در چگونگی پیدایش این اثر روی آن سنگ سخت به عنوان نشانه الهی، سه احتمال داده‌اند که دو احتمال آن با کعبه مرتبط و قابل جمع است و احتمال دیگر را بی ربط با کعبه و ضعیف و مردود شمرده‌اند.



ازرقی، مورخ قرن سوم هجری، در مورد این احتمالات می نویسد:

احتمال نخست:

هنگامی که ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام مشغول ساختن کعبه بودند، دیوارهای کعبه بالا آمد و ادامه آن ممکن نبود، از این رو سنگی برای ابراهیم آوردند و او روی سنگ ایستاد و دیوار کعبه را بالا برد. این احتمال به دلیل ارتباط آن با کعبه قوی تر است.

احتمال دوم:

به هنگام اتمام بنای کعبه، ابراهیم خلیل علیه السلام مأموریت یافت ندای حج سر دهد:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۹

«و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر، از هر راه دوری به سوی تو آیند...»

ازرقی نقل کرده است که:

«محمد بن یحیی، از محمد بن عمر واقدی، از ابن ابی سبره، از اسحاق بن عبدالله بن ابی فروه، از عمر بن حکم، از ابوسعید خدری نقل می‌کند که گفت: از عبدالله بن سلام درباره نشانه‌ای که روی مقام ابراهیم است پرسیدم. گفت: این سنگ به وضعی بود که امروز هست ولی خداوند سبحان اراده کرد که آن را نشانه‌ای از آیات خود فرماید و چون ابراهیم علیه السلام مأمور شد مردم را برای انجام حج فرا بخواند، روی این سنگ ایستاد و این سنگ چندان بالا رفت که از همه کوه‌ها بلندتر گردید و ابراهیم علیه السلام به همه چیز مشرف شد و بانگ برداشت: ای مردم، دعوت پروردگار خویش را پاسخ گوئید. مردم در پاسخ گفتند: گوش به فرمانیم، پروردگارا! گوش به فرمان و نشانه هر دو پای او بر آن سنگ باقی بود که خداوند چنین اراده کرده بود.

ابراهیم علیه السلام روی آن سنگ به چپ و راست خود می‌نگریست و همچنان می‌گفت: دعوت خدای خود را پاسخ گوئید.»^۱

در مورد این احتمال، روایات صحیحی داریم. از جمله آن‌ها روایت غالب بن عثمان است که در آن آمده است:

«...أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمَّا أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ يُنَادِي فِي النَّاسِ الْحَجَّ قَامَ عَلَى الْمَقَامِ فَارْتَفَعَ بِهِ حَتَّى صَارَ بِإِزَاءِ أَبِي قُبَيْسٍ فَنَادَى فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ فَأَسْمَعَ مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»^{۱۱}

«امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی خداوند به ابراهیم فرمان داد: در میان مردم ندای حج دهد، بر مقام ایستاد، پس مقام او را بالا برد تا در مقابل کوه ابوقبیس قرار گرفت. ندا داد مردم به حج بیایند. پس هر کس که در اصلااب مردان و ارحام زنان بود، تا روز قیامت، ندای او را شنید.»

این احتمال با احتمال نخست قابل جمع است. چون در طول هم واقع شده‌اند و هیچ معنی ندارد که حضرت ابراهیم علیه السلام هم در بنای کعبه و هم در اعلان حج، روی این سنگ ایستاده باشد.

احتمال سوم:

ارتباطی به کعبه ندارد و ازرقی نیز آن را ضعیف و مردود شمرده و آن این است که: ابراهیم خلیل آنگاه که از شام به مکه می‌آمد، برای همسر خود سوگند می‌خورد که در مکه از مرکب خود پیاده نشود و چون به مکه رسید، این سنگ را پیش او آوردند و پای خود را از رکاب بیرون آورد و بر آن نهاد. سعید بن جبیر می‌گوید: این نقل درست نیست. سپس روایت ابن عباس را نقل می‌کند که حضرت ابراهیم برای بنای کعبه پا روی این سنگ گذاشته است.^{۱۲}

ممکن است این داستان که مجمع البیان مفصل به آن پرداخته، درست باشد، اما هیچ ارتباطی به مقام ندارد.

قرائن و شواهدی وجود دارد که مقام ابراهیم در عهد ابراهیم خلیل علیه السلام و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله (بعد از فتح مکه و حکومت خلیفه اول) به کعبه چسبیده بوده و در عصر خلیفه دوم به جای فعلی منتقل شده است.

جای اصلی مقام

دلایل، قرائن و شواهدی وجود دارد که مقام ابراهیم در عهد ابراهیم خلیل علیه السلام و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله (بعد از فتح مکه و حکومت خلیفه اول) به کعبه چسبیده بوده و در عصر خلیفه دوم به جای فعلی منتقل شده است. این دلایل و قرائن عبارت‌اند از:

۱. روایت محمد مسلم

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ الَّذِي مِنْ خَرَجٍ عَنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفًا بِالْبَيْتِ، قَالَ: كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ وَ أَنْتُمْ تَطُوفُونَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مَوْضِعَ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَاؤَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَ الْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَ الْيَوْمَ وَاحِدٌ قَدَرٌ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ مِنْ نَوَاحِي الْبَيْتِ كُلِّهَا

فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَبْعَدَ مِنْ مِقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بَغَيْرِ الْبَيْتِ
بِنَزْلَةٍ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حُدٍّ وَلَا طَوَافَ لَهُ»^{۱۳}

«محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام از حد و مرز طواف خانه پرسیدم و گفتم: آن محدوده که اگر کسی خارج از آن طواف کند، گویا طواف نکرده کدام است؟ حضرت فرمود: مردم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پیرامون خانه و مقام طواف می کردند ولی امروز شما میان مقام و خانه طواف می کنید.

پس حد مطاف جای مقام فعلی است و هر کس از آن بگذرد، گویی طواف کننده نیست و طواف او صحیح نمی باشد. حد مطاف در گذشته و امروز یکی است و آن، حد میان مقام و کعبه در همه نواحی خانه می باشد. پس کسی که دورتر از این مقدار طواف کند، طواف به غیر بیت کرده است؛ مانند کسی که خارج از مسجد الحرام، برگرد مسجد طواف کرده باشد، چون او طواف را در مطاف انجام نداده، پس طوافی نکرده است.»

هرچند روایت به علت مجهول بودن یاسین الضریر ضعیف شمرده شده ولی اشتهار عمل به روایتی بین اصحاب، موجب جبران ضعف آن می شود^{۱۴} و مشهور قدا به روایت محمد ابن مسلم عمل کرده و طبق آن فتوا داده اند. پس اشکالی در روایت نیست.^{۱۵} و می توان به آن استناد کرد.

آیت الله گلپایگانی می فرماید: روایت به خاطر «یاسین الضریر» که مجهول است و هیچ مدح و ذمی در باره او نرسیده، ضعیف است ولی عمل اصحاب و اعتماد آن ها به روایت، جبران ضعف سند می کند.^{۱۶}

روایت، صدر و ذیلی دارد. صدر روایت به مسأله تاریخی و جابه جایی مقام ابراهیم پرداخته و ذیل روایت مسأله فقهی حد مطاف را بیان کرده است که در این بحث شاهد مثال ما، صدر روایت است و ذیل روایت از بحث ما خارج می باشد.

در صدر روایت می فرماید: مردم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پیرامون خانه و مقام طواف می کردند اما امروز شما میان خانه و مقام طواف می کنید؛ یعنی بین این دو، فاصله ایجاد شده است. این

دو عبارت، قابل دقت است. در جمله «يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ»، به مردم عصر پیامبر خدا ﷺ اشاره دارد که آنان با مقام، معامله بیست می کردند، همچنان که پیرامون کعبه می چرخیدند، دور مقام نیز طواف می کردند؛ چون کلمه «المقام» عطف به «البيت» است؛ یعنی «يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ» و «يَطُوفُونَ بِالْمَقَامِ» و این گویای آن است که مقام ابراهیم وصل به کعبه بوده است. این عبارت، با عبارت بعدی که می فرماید:

«وَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ...»؛ «شما امروز میان مقام و خانه طواف می کنید.» در اینجا تفاوت بسیار است؛ دیروز مسلمانان در طواف دور مقام می چرخیدند ولی امروز شما نمی توانید دور آن بچرخید.

این ظهور بسیار روشنی دارد که مقام ابراهیم در عهد پیامبر خدا ﷺ کنار دیوار کعبه بوده است.

۲. صدوق با اسناد خودش از زراره چنین نقل می کند:

«وَقَالَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَدْرَكَتَ الْحَسَيْنَ عليه السلام؟ قَالَ نَعَمْ، أَذْكَرُ وَ أَنَا مَعَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ قَدْ دَخَلَ فِيهِ السَّيْلُ وَ النَّاسُ يَتَخَوَّفُونَ عَلَيِ الْمَقَامِ يَخْرُجُ الْخَارِجُ فَيَقُولُ قَدْ ذَهَبَ بِهِ السَّيْلُ وَ يَدْخُلُ الدَّاخِلُ، فَيَقُولُ: هُوَ مَكَانَهُ، قَالَ: فَسَالَ يَا فُلَانُ مَا يَصْنَعُ هَؤُلَاءِ؟ فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ يَخَافُونَ أَنْ يَكُونَ السَّيْلُ قَدْ ذَهَبَ بِالْمَقَامِ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - قَدْ جَعَلَهُ عَلَمًا لَمْ يَكُنْ لِيَذْهَبَ بِهِ فَاسْتَقْرُّوا وَ كَانَ مَوْضِعُ الْمَقَامِ الَّذِي وَضَعَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام عِنْدَ جِدَارِ الْبَيْتِ، فَلَمْ يَزَلْ هُنَاكَ حَتَّى حَوَّلَهُ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي هُوَ فِيهِ الْيَوْمَ، فَلَمَّا فَتَحَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله مَكَّةَ رَدَّهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام فَلَمْ يَزَلْ هُنَاكَ إِلَى أَنْ وَلِيَ عَمْرٌ، فَسَالَ النَّاسَ مَنْ مِنْكُمْ يَعْرِفُ الْمَكَانَ الَّذِي كَانَ فِيهِ الْمَقَامُ؟ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ، أَنَا قَدْ كُنْتُ أَخَذْتُ مِقْدَارَهُ بِنِسْعٍ فَهُوَ عِنْدِي فَقَالَ أَتَيْتِي بِهِ فَأَتَاهُ فَمَقَّاسَهُ ثُمَّ رَدَّهُ إِلَيَّ ذَلِكَ الْمَكَانَ»^{۱۷}.

«زراره بن اعین به امام باقر عليه السلام گفت: آیا [جدت] حسین عليه السلام را دیدی و او را درک کردی؟ امام عليه السلام فرمود: آری. یادم می آید که با او در مسجد الحرام بودم، سیل آمد و وارد مسجد الحرام شد، مردم برای مقام می ترسیدند.

گروهی که از مسجد خارج می‌شدند، می‌گفتند: سیل مقام را برد. عده‌ای که داخل مسجد الحرام می‌شدند می‌گفتند: مقام در جای خودش می‌باشد. امام علیه السلام فرمود: فلانی! این مردم چه می‌کنند؟ گفتم: خدا شما را پایدار بدارد، می‌ترسند که سیل مقام را ببرد. حضرت فرمودند: خداوند - عزوجل - آن را علم و نشانه قرار داده است و چنین نیست که سیل آن را ببرد. پس آرام بگیرید. و جایگاه مقام که ابراهیم علیه السلام در نظر گرفته بود، کنار دیوار کعبه بود. مقام همچنان آنجا بود تا آنکه اهل جاهلیت آن را به مکانی که امروز قرار گرفته منتقل کردند.»

هنگامی که مکه به دست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فتح شد، آن حضرت مقام را به جایگاه نخست که ابراهیم علیه السلام قرار داده بود برگرداند تا آن که در خلافت عمر، او از مردم پرسید چه کسی جای مقام را می‌داند؟ مردی گفت: من جای آن را با نخی اندازه گرفته‌ام. عمر گفت: آن را بیاور و او آورد، سپس مقام را به مکان فعلی منتقل کرد.

بررسی روایت:

روایت زراره دارای چند فراز است:

۱. در آن به علم و نشانه بودن مقام ابراهیم از جانب خداوند اشاره شده است؛ (قَدْ جَعَلَهُ عَلَمًا).
۲. در عصر ابراهیم خلیل علیه السلام، مقام در کنار دیوار خانه بوده است.
۳. مردم زمان جاهلیت مقام را به جایگاه فعلی منتقل کرده‌اند.
۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در فتح مکه مقام را به جایگاه زمان ابراهیم علیه السلام برگرداند.
۵. عمر در زمان خلافتش مقام را به جایگاه فعلی (که در زمان جاهلیت بود) منتقل کرد.

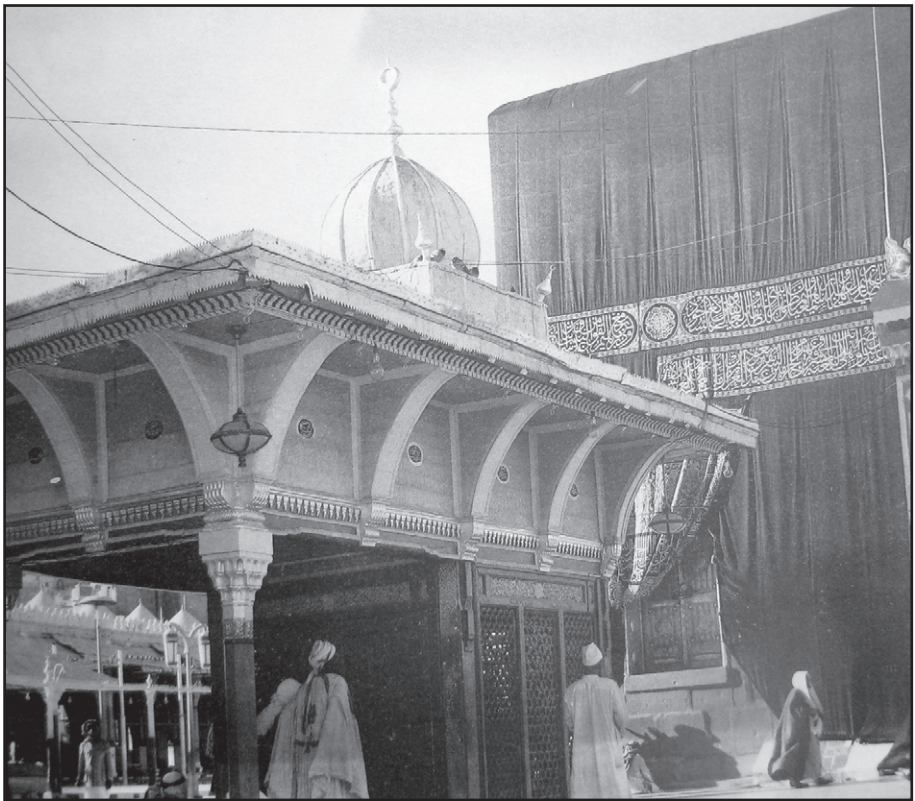
روایت زراره، تأییدی است بر روایت محمد بن مسلم و به نوعی مفسر آن است. در روایت محمد بن مسلم آمده است: «مردم در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله بر گرد خانه و مقام طواف می‌کردند.» اطلاق این جمله هم شامل دوران بعثت می‌شود و هم شامل زمان هجرت و این معنا را می‌رساند که مقام در تمام دوران پیامبر صلی الله علیه و آله کنار دیوار کعبه قرار داشته است. و روایت زراره می‌گوید: تا پیش از فتح مکه، مقام در جایگاه فعلی قرار داشته و در فتح مکه پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به جایگاه اصلی‌اش؛ یعنی کنار کعبه منتقل کرده است.

۳. صحیح ابراهیم بن ابی محمود

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام أَصَلِّي رَكَعَتَي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ، حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ، أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ: حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ»^{۱۸}

«ابراهیم بن ابو محمود می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: دو رکعت نماز واجب طواف را پشت مقام در جایگاه فعلی آن بخوانم یا در جایگاهی که عصر رسول الله صلی الله علیه و آله بود؟ امام علیه السلام فرمود: پشت مقام در جای فعلی.»

از سؤال راوی پیداست که او می‌دانست مقام ابراهیم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار کعبه بوده است و امام علیه السلام نیز آن را تأیید می‌کند.



۴. نظریه برخی از علما

- آیت الله گلپایگانی^{۱۸} با استناد به این روایت، تأکید می‌کند که مقام ابراهیم^{علیه السلام} در زمان پیامبر^{صلی الله علیه و آله} به کعبه چسبیده بوده و خلیفه دوم آن را به مکان فعلی - که مکان عصر جاهلیت است - منتقل کرد.^{۱۹}

- شیخ حرّ عاملی نیز پس از نقل این روایت می‌گوید: در شماری از روایات آمده است که مقام ابراهیم^{علیه السلام} به دیوار کعبه چسبیده بود و عمر آن را به مکان فعلی انتقال داد.^{۲۰}

نتیجه:

از دلایل یاد شده استفاده می‌شود که مقام در عهد ابراهیم و اسماعیل^{علیهم السلام} و نیز در عهد پیامبر خدا^{صلی الله علیه و آله}، از فتح مکه به بعد، در کنار دیوار یا چسبیده به دیوار کعبه بوده و در دوران خلافت عمر و به فرمان وی، به جای فعلی انتقال یافته است؛ و این همان جایی است که در عصر جاهلیت بود.

نکته: گر چه مقام جا به جا شده، لیکن در جهت آن تغییری ایجاد نگردیده است؛ یعنی مقام در جایگاه کنونی، درست رو به روی همان مکان قبلی کنار کعبه است، البته با فاصله بیشتر.

روایات اهل سنت

اهل سنت در مورد مکان مقام، روایاتی دارند که هم با یکدیگر همخوانی ندارند و هم با روایات شیعه در تعارض هستند.

ازرقی، چند روایت نقل می‌کند که با هم تفاوت دارند:

۱. روایتی که می‌گوید: مقام در زمان ابراهیم خلیل، در جای کنونی بوده است: شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر، آن روایت را نقل و سپس نقد کرده است. وی می‌گوید: مالک بن انس و طبری گفته‌اند:

«قریش در عهد جاهلیت از ترس سیل، مقام را به خانه چسبانده بودند و این وضعیت همچنان تا عهد پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و ابوبکر ادامه داشت، پس هنگامی

که عمر به حکومت رسید، مقام را به جای کنونی آن؛ همان جایی که ابراهیم خلیل تعیین کرده بود، بازگرداند.»^{۲۱}

ازرقی در اخبار مکه این روایت و روایت ذیل را آورده است:
محمد بن یحیی، از سلیم بن مسلم، از ابن جریج، از محمد بن عباد بن جعفر از عبدالله بن صفوان نقل می‌کند که می‌گفت:

«در حالی که عمر در مکه و در خانه ابن سباع ساکن بود، به عبدالله بن سایب عابدی (از قاریان بنام مکه که تا اندکی پیش از کشته شدن عبدالله بن زبیر زنده بود)^{۲۲} دستور داد که مقام را به جایگاه خود برگرداند، او چنان کرد و نماز مغرب را خواند. عمر از درد سر شکایت داشت و پس از آن که من یک رکعت از نماز مغرب خوانده بودم آمد و پشت سرم نماز خواند، گوید چون نماز تمام شد، عمر احسنت و آفرین گفت، من نخستین کس بودم که پس از نصب مقام ابراهیم در جای اصلی آن نماز گزاردم.»^{۲۳}

صاحب جواهر همچنین در نقد این روایت می‌گوید:

«اولاً: عمر از کجا می‌دانست جای مقام در عصر ابراهیم خلیل علیه السلام مکان کنونی بوده است؟

ثانیاً: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نسبت به این عمل اولویت داشته است. چرا او این کار را انجام نداد؟ حال آن که او پیامبر خدا بود و می‌بایست راه ابراهیم خلیل را برودا!»^{۲۴}

۲. روایتی که می‌گوید: مقام در عهد عمر در جای کنونی بوده و به دستور وی پایه‌ای برای حفاظت از مقام ساختند:

ازرقی می‌نویسد: ابوالولید از پدر بزرگش، از داود بن عبدالرحمان، از ابن جریج، از کثیر بن کثیر بن مطلب بن ابی وداعه سهمی از پدرش از پدر بزرگش نقل می‌کند:

«در روزگار حکومت عمر بن خطاب سیلی آمد که به سیل امّ نهشل معروف شد؛ زیرا امّ نهشل دختر ابو عبیده بن ابو اَحیحه سعید بن عاص

را با خود برد و او در آن سیل غرق شد و مرد. این سیل مقام را از جای خود کند و برد و آن را در محله پایین مکه یافته، آوردند و به پرده‌های کعبه متصل کردند و در این باره برای عمر نوشتند و او در حالی که از این واقعه ترسیده بود، در ماه رمضان به قصد عمره به مکه آمد. محل اصلی مقام را سیل از میان برده بود و نشانه آن هم محو شده بود. عمر مردم را فرا خواند و گفت: شما را به خدا سوگند می‌دهم هر کس اطلاعی از جای دقیق مقام دارد مرا آگاه کند، مطلب بن أبو وداعه سهمی گفت: ای امیرمؤمنان، من جای آن را می‌دانم؛ زیرا از چنین پیشامدی بیمناک بودم و اندازه فاصله‌های آن را تا حجرالأسود و حجر اسماعیل و چاه زمزم با نخ گرفته‌ام و در خانه‌ام موجود است. عمر به او گفت: همین جا بنشین و بفرست آن نخ را بیاورند. چون نخ و ریسمان را آوردند و اندازه گرفتند، جای مقام همین جای کنونی تعیین شد. عمر از مردم دیگر هم پرسید و با آنان مشورت کرد. گفتند: آری همین جا محل مقام است و چون این موضوع ثابت شد و برای عمر مسلم گردید، نخست برای آن پایه‌ای ساختند و سپس مقام را به جای خود منتقل کردند که تا امروز همچنان بر جای خود باقی است.^{۲۵}

مطلب بن ابو وداعه از راویانی است که برخی او را ضعیف و برخی قوی و مورد اعتماد دانسته‌اند.^{۲۶} او روز فتح مکه مسلمان شد و پدرش در جنگ بدر اسیر گشت. مطلب مدتی ساکن کوفه بود و سپس به مدینه برگشت.^{۲۷}

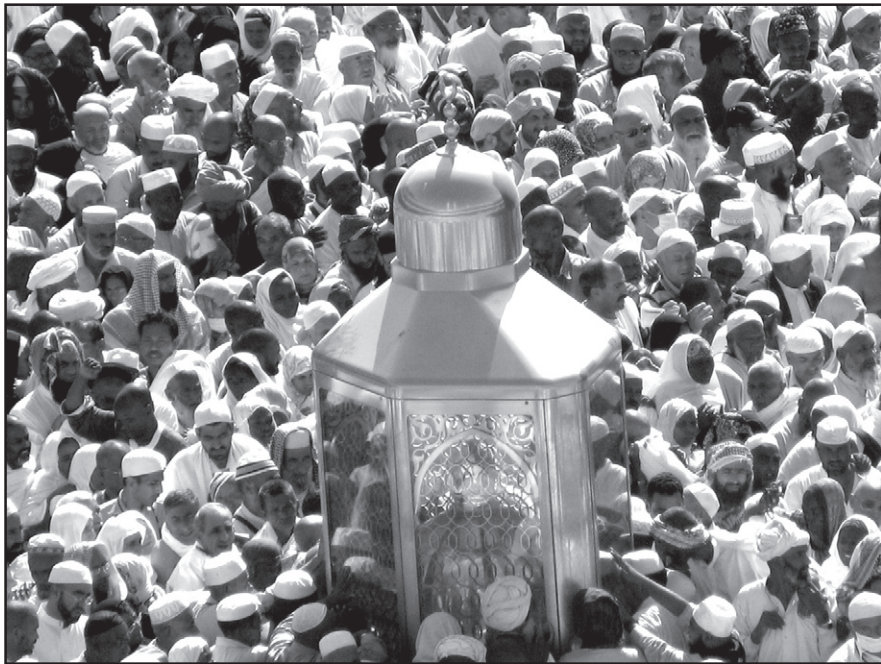
۲. روایت ابن سراقه که گوید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مقام را به جای کنونی منتقل کرد: میان کعبه و نمازگاه آدم، ترجیحاً نه ذراع است و آنجا جایگاه مقام ابراهیم می‌باشد و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از طوافش فارغ شد، دو رکعت نماز نزد آن خواند و آیه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی﴾^{۲۸} بر او نازل شد. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مقام را به جای کنونی منتقل کرد - و فاصله این تا کعبه بیست ذراع می‌باشد - تا طواف به واسطه گزاردن پشت سر او، قطع نشود آنگاه در زمان عمر سیل مقام را برد و عمر دستور داد آن را به مکانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معین کرده بود، منتقل کنند.^{۲۹}

صاحب جواهر در نقد روایت می نویسد:

«این روایت می گوید: پیامبر خدا ﷺ مقام را به جای کنونی آورد در حالی که روایت زراره می گوید: عمر اعمال جاهلی را زنده کرد.»^{۳۰}

۴. آیا تغییر و جابه جایی مقام ابراهیم علیه السلام بدعت و عمل نامشروعی است؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: از امیر مؤمنان علیه السلام در کتاب روضه کافی خطبه‌ای نقل شده که چنین کارهایی را بدعت و خلاف دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده است:

سلیم بن قیس هلالی می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام در جمع خاصان و شیعیانش خطبه‌ای خواند... آنگاه فرمود: حکمرانان پیش از من کارهایی انجام داده‌اند که در آنها با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و از روی تعهد راه خلاف پیمودند و پیمان‌ش را شکستند و سنت و روشش را تغییر دادند و اگر من بخواهم مردم را به ترک آنها وادارم و به جای اصلی آنها باز گردانم و به همان ترتیب که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بود مقرر دارم،



لشکر از پیرامون من پراکنده شوند تا جز خودم تک و تنها نمانم و یا اندکی از شیعیان من که برتری مرا شناخته و وجوب اطاعت و امامت مرا از روی کتاب خدای - عزوجل - و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دانسته‌اند، به جای مانند. (اگر مردم مخالفت نمی کردند) می دیدید که من دستور می دادم تا مقام (حضرت) ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی آن که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را در آنجا نهاده بود برمی گردانم.»^{۳۱}

از این روایت چند برداشت می توان کرد:

اولاً: از آن استفاده می شود که جای اصلی مقام، مکان فعلی نبوده بلکه نزد دیوار کعبه بوده است.

ثانیاً: ظاهر این روایت دلالت می کند که تغییر مکان مقام ابراهیم بدعت و امر نامشروعی است.

اهل سنت برای عمل خلیفه دوم اینگونه استدلال کرده اند:

اگر عمل عمر صحیح نبود، چرا صحابه و تابعین به او اعتراض نکردند، پس عدم اعتراض دلیل بر صحت عمل او است.

در پاسخ این استدلال باید گفت: چنین نیست که عدم اعتراض به یک عمل، دلیل بر درستی آن باشد؛ زیرا عدم اعتراض یا ناشی از جهل و ناآگاهی است و یا نبود موقعیت؛ ممکن است آن دسته از صحابه که اعتراض نکردند آگاه به مساله نبوده اند و برخی نیز چون امیرمؤمنان علیه السلام معترض بودند اما موقعیت سیاسی و جو حاکم اجازه اعتراض به آنان نمی داد.

۵. نقش مقام ابراهیم در حدّ مطاف

در حدّ طواف، میان مشهور فقهای قدما و میان فقهای متأخر و معاصر اختلاف است. فتوای قدما آن است که طواف باید میان مقام ابراهیم و خانه خدا انجام گیرد. برخلاف متأخرین و معاصران که قائل به توسعه مطاف هستند.

پرسش: نقش مقام در ارتباط با حد مطاف طبق فتوای قدما چیست؟

۱. آیا ملاک تعیین حدّ مطاف، مقام (سنگ) است یا بنا و قبه‌ای که مقام در آن جای گرفته است؟

۲. آیا مقام ارتباطی با حدّ مطاف دارد؟

پاسخ: روایت محمد بن مسلم، حدّ را میان مقام و بیت می‌دانست. پیش‌تر گذشت، مراد از مقام سنگی است که جای پای حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن نمایان است و در عهد ابراهیم خلیل و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که به دیوار کعبه چسبیده بود، بنا و قبه‌ای برای او در تاریخ ثبت نشده است. شواهد و قرائن حاکی از آن است که وقتی مقام به مکان فعلی انتقال یافت، جهت حفاظت از آن، محفظه و بنا و قبه‌ای برای آن ساخته شد.^{۳۲}

و آنچه طبق فتوای مشهور قدما، ملاک حد مطاف است، مقام (سنگ) است نه بنا و قبه آن...

شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر می‌نویسد: آنچه در تعیین حد مطاف معتبر است، مقام اصلی (سنگ) است نه بنا بر آن.^{۳۳}

در پاسخ سؤال دوم باید گفت:

مقام هیچ نقشی در تعیین حدّ مطاف ندارد. پس اگر مقام را جابه‌جا کنند و یا آن را بردارند، طبق فتوای قدما همین مسافت باید در طواف مراعات شود. دلیل آن، خبر زراره و اخباری است که پیش‌تر خوانده شد.^{۳۴}

در روایت محمد بن مسلم آمده بود:

«وَالْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَالْيَوْمَ وَاحِدٌ قَدْرَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنَ الْبَيْتِ مِنْ نَوَاحِي الْبَيْتِ كُلِّهَا...»

«حدّ مطاف در گذشته (زمان پیامبر صلی الله علیه و آله) که به کعبه چسبیده بود) و امروز یکی است و آن، حدّ میان مقام و کعبه در همه نواحی خانه می‌باشد.»

این جمله آشکارا بیان می‌کند که مقام ابراهیم هیچ دخلتی در تعیین حد و مرز مطاف ندارد؛ زیرا در عصر پیامبر، مقام در کنار کعبه قرار داشته، در عین حال، حد مطاف به همان اندازه بود که امروز معین است. آنچه از روایت استنباط می‌شود این است که مقام در جایی قرار گرفته که مرز و حد مطاف از آنجا محاسبه می‌شود. بنابراین، اگر روزی بیاید که به دلیلی مقام ابراهیم را جابه‌جا کنند، هیچ تغییری در حد مطاف طبق فتوای قدما حاصل نخواهد شد. همچنین طبق فتوای شیخ صدوق^{۳۵} و جمعی از متأخرین^{۳۶} و معاصرین^{۳۷} و اهل سنت^{۳۸} که قائل به توسعه مطاف هستند، مقام ابراهیم، هیچ نقش و دخلتی در تعیین حد مطاف ندارد.

۶. مقام ابراهیم و نماز طواف

مسأله دیگری که در مورد مقام ابراهیم مطرح گردیده، خواندن نماز طواف نزد مقام ابراهیم است.

از آیه «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ»^{۳۹} استفاده می‌شود که محل نماز طواف باید از مقام ابراهیم اتخاذ شود. «مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ...» بیش از این بیان نمی‌کند که محل نماز طواف

باید برگرفته از مقام ابراهیم

باشد. بدین ترتیب مقام در

نماز طواف موضوعیت

پیدا می‌کند. در هر جا

که قرار گرفته باشد؛

خواه در جوار کعبه و

خواه در مکان کنونی، باید

در مقابل و جلو نماز گزار

قرار گیرد. همچنان که

در روایت صحیحه

معاویه بن عمار از امام

صادق علیه السلام آمده

است:

«تَأْتِي مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ فَتُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَاجْعَلْهُ أَمَامًا...»^{۴۰}

«به مقام ابراهیم می آیی، پس آن را در مقابل و رو به رو قرار می دهی...»

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است نماز طواف واجب، جز در پشت مقام جایز

نیست:

«لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا خَلْفَ الْمَقَامِ لِقَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ فَإِنْ صَلَّيْتَهُمَا فِي غَيْرِهِ فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ»^{۴۱}

«بر کسی جایز نیست دو رکعت نماز طواف را جز پشت مقام ابراهیم بخواند، به دلیل بیان خداوند بزرگ که فرمود: از مقام ابراهیم نمازگاه برگزینید. پس اگر این نماز را در غیر این مکان خواندی، باید اعاده کنی.»

نماز گاه ابراهیم و پیامبر صلی الله علیه و آله

ازرقی می نویسد:

«چون ابراهیم خلیل از کار دعوت فراغت یافت، مأمور شد که مقام را قبله خود قرار دهد. ابراهیم علیه السلام آن را کنار در کنونی کعبه قرار داد و مدتها هم قبله بود. پس از او، اسماعیل علیه السلام هم به جانب آن و روبه روی در کعبه نماز می گزارد. پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شد به جانب بیت المقدس نماز بگذارد و پیش از هجرت و مدتی پس از آن، همچنان به جانب بیت المقدس نماز می گزارد، تا آن که خداوند متعال آنچه را که برای خود و پیامبران برگزیده بود، قبله قرار داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه رو به ناودان کعبه نماز می گزارد. (یعنی جهت قبله به جانب شمالی کعبه و ناودان آن بود). و چون به مکه می آمد، چنان رو به کعبه می ایستاد که مقام روبه روی ایشان بود.»^{۴۲}

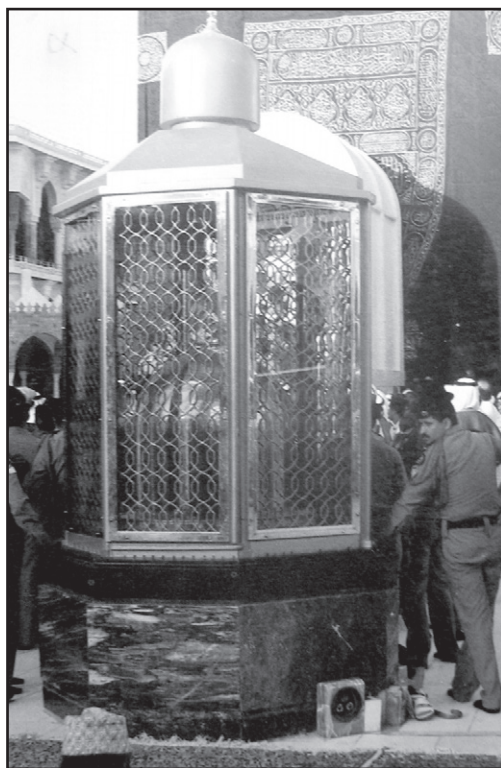
آیت الله فاضل رحمته الله علیه می فرمودند: «شاید سر این که از دیرباز به هنگام برپایی نماز جماعت، امام مسجد الحرام و مأموران پشت مقام و رو به روی

کعبه می‌ایستند و نماز می‌خوانند، پیروی از همان عمل ابراهیم خلیل علیه السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باشد.»^{۴۳}

و اما دلیل این سخن که «در خلف مقام، هر جا که قرار گرفته باشد» برای نماز موضوعیت دارد، روایتی است که کلینی از ابراهیم بن ابو محمود نقل کرده است:

«قُلْتُ لِلرُّضَا علیه السلام أَصَلِّي رَكَعَتِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ قَالَ: حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ.»^{۴۴}

«از حضرت رضا علیه السلام پرسیدیم: آیا دو رکعت نماز طواف را پشت مقام ابراهیم، همین جایی که امروزه قرار دارد، بخوانم یا جایی که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرار داشته است؟ حضرت در پاسخ فرمود: همان جایی که امروزه قرار دارد.»



پی نوشت ها:

۱. فرهنگ لغت منجد الطلاب.
۲. تاریخ مکہ، ج ۲، صص ۳۲۵ و ۳۲۶
۳. بقره: ۲۲۵
۴. آل عمران: ۹۷
۵. تفسیر آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۳۱۵
۶. بقره: ۱۱۹
۷. تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ترجمه مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۱؛ بحار، ج ۱۲، ص ۸۴ باب ۵
۸. همان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۴
۹. حج: ۲۷
۱۰. ازرقی، اخبار مکہ، ج ۲، صص ۳۲۴ و ۳۲۵
۱۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۷۸، ابواب الطواف، باب ۷۱، ح ۱
۱۲. اخبار مکہ، ج ۲، صص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۴
۱۳. ر.ک. به: فقه الصادق، ج ۱۱، ص ۲۴۵
۱۴. اصطلاحات الاصول، آیت الله مشکینی، ص ۱۵۲
۱۵. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۷، ح ۱ و ج ۱۳، ص ۳۵۱، ابواب الطواف، باب ۲۸، ح ۱۷۹۲۰
۱۶. تقریرات حج، ج ۲، ص ۹۶
۱۷. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۴، ح ۲۳۰۸
۱۸. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۷۸، ابواب الطواف، باب ۷۱، ح ۱
۱۹. تقریرات حج، ج ۲، ص ۷۱
۲۰. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۷۹، ابواب الطواف، باب ۷۱، ح ۱
۲۱. جواهر، ج ۱۹، ص ۲۹۶
۲۲. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۷۰
۲۳. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۷
۲۴. جواهر، ج ۱۹، ص ۲۹۶
۲۵. تاریخ مکہ، ج ۲، ص ۳۲۷، «جاء سبیل فی خلافة عمر بن الخطاب، يقال له سبیل أم نهشل، وإنما سمي بأم نهشل، أنه ذهب بأم نهشل ابنة عبيدة بن أبي أحيحة سعيد بن العاص، فمات فيه فاحتمل المقام من موضعه هذا، فذهب به حتى وجد بأسفل مكة، فأتى به فربط إلى أستار الكعبة في وجهها، وكتب في ذلك إلى عمر، فأقبل عمر فرعاً، فدخل بعمرة في شهر رمضان، وقد غبي موضعه وعفاه السبيل، فدعا عمر بالناس، فقال: «أنشد الله عبداً عنده علم في هذا المقام»، فقال المطلب بن أبي وداعة السهمي: أنا يا أمير المؤمنين عندي ذلك، فقد كنت أخشى عليه هذا، فأخذت قدره من موضعه إلى الركن، ومن موضعه إلي باب الحجر، ومن موضعه إلي زمزم بمقاط، وهو عندي في البيت، فقال له عمر: «فاجلس عندي»، و أرسل إليها، فأتى بها فمدها فوجدها مستوية إلى موضعه هذا، فسأل الناس وشاورهم، فقالوا: نعم هذا موضعه، فلما استثبت ذلك عمر وحق عنده، أمر به فأعلم ببناء رضه تحت المقام، ثم حوله فهو في مكانه هذا إلى اليوم...»
۲۶. ر.ک. به: میزان الاعتدال ذهبی، ج ۳، ص ۴۰۹، ذیل شماره ۶۹۴۸
۲۷. اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۷۴
۲۸. بقره: ۱۱۹

٢٩ . ذكر الفقيه محمد بن سراقه العامري في كتابه «دلائل القبله» في موضع المقام عند الكعبه: و من الباب؛ يعني باب البيت إلی مصلي آدم عليه السلام حين فرغ من طوافه وأنزل الله عليه التوبه وهو موضع الخلق من إزار الكعبه أرجح من تسعة أذرع، وهناك كان موضع مقام إبراهيم عليه السلام، وصلى النبي - صلى الله عليه وآله وسلم - عنده حين فرغ من طوافه ركعتين، وأنزل الله عليه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ ثم نقله - صلى الله عليه وآله وسلم - إلى الموضع الذي هو فيه الآن، وذلك علي عشرين ذراعاً من الكعبه...».

٣٠ . جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٢٩٨

٣١ . «عَنْ [عَبْدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو التَّمَانِي، عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَقَالَ قَدْ عَمَلَتِ الْوَلَاةُ قَبْلِي أَعْمَالًا خَالَفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - مُتَعَمِّدِينَ لِخِلَافِهِ، نَاقِضِينَ لِعَهْدِهِ، مُعَيِّرِينَ لِسُنَّتِهِ، وَ لَوْ حَمَلَتِ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا وَ حَوْلَتُهَا إِلَيَّ مَوَاضِعِهَا وَ إِلَيَّ مَا كَانَتْ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - لَتَفَرَّقَ عَنِّي جُنْدِي، حَتَّى أَبْقَى وَ حُدِي أَوْ [مَعَ] قَلِيلٍ مِنْ شَيْعَتِي الَّذِينَ عَرَفُوا فَضْلِي وَ فَرَضَ إِمَامَتِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَمَرْتُ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَرَدَدْتُهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعُهُ

فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - ...» كَلِينِي، رَوَاهُ كَافِي، ج ١، ص ٨٥، ح ٢١، ترجمه سيدهاشم رسولي محلاتي، اسلاميه، ١٣٥٠ ش.

٣٢ . تاريخ مکه، ج ٢، ص ٣٣٠

٣٣ . جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٢٩٨

٣٤ . همان.

٣٥ . مدارك الاحكام، ج ٨، ص ١٣١.

٣٦ . رك. به: همان و تذكرة الفقهاء، ج ٨، ص ٩٣.

٣٧ . مناسك محشي، ص ٢٨٩، م ٦٥٧.

٣٨ . المجموع في شرح المهذب، ج ٨، ص ٣٩، دارالفكر.

٣٩ . بقره: ١٢٥

٤٠ . تهذيب، ج ٥، ص ١٣٦

٤١ . تهذيب، ج ٥، ص ١٣٧

٤٢ . ازرقسي، اخبار مکه، ج ٢، صص ٣٢٤ و ٣٢٥، «فلما فرغ أمر بالمقام، فوضعه قبله، فكان يصلي إليه مستقبل الباب فهو قبله إلى ما شاء الله ثم كان إسماعيل بعد يصلي إليه إلى باب الكعبه، ثم كان رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - فأمر أن يصلي إلى بيت المقدس، فصلى قبل أن يهاجر وبعد ما هاجر، ثم أحب الله تعالى أن يصرفه إلى قبلته التي رضى لنفسه ولأنبيائه - عليهم السلام - قال: فصلى إلى الميزاب وهو بالمدينة، ثم قدم مكة، فكان يصلي إلى المقام ما كان بمكة».

٤٣ . كتاب حج، ج ٢

٤٤ . تهذيب، ج ٥، ص ١٣٥؛ كافي، ج ١٠، ص ٢٨٢